



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان	
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف	
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ ۸۸۸۸۰۷۱۹ ۸۸۶۵۸۵۷۵ ۸۸۶۵۸۵۷۵	
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۵ ۶۶۱۸۱۲۱۰	
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز	
چاپ: نشر روزتاب	
تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶	
www.sharhnewspaper.ir	
تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۱ اذان مغرب ۱۷:۵۰ اذان صبح ۴:۴۶ طلوع آفتاب ۶:۰۹	

روزنامه شرج روزنامه	
پنشنه ۲۱ مهر ۱۳۹۰ ۱۵ ذی‌القعدة ۱۴۳۲ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱ ۳۰ سال نهم ۳ شماره پیاپی ۱۳۶۷ شماره ۴۴۲ دوره جدید ۱۲ صفحه۲۲ صفحه شمیسه	

برتون به روایت برتون برتون به روایت برتون	
ایسنا: کتاب «برتون به روایت برتون» نوشته مارک سالیزبوری با مقدمه‌ای از جانی دپ و با ترجمه ابراهیم عامل‌محرابی منتشر شد. «دوارد دست‌قچی»، «عروس مرده» یا «سلیبی هالو» و... از جمله آثار سینمایی برتون است. دیدگاهی که بسیاری آن را تارکیر می‌دانند؛ ولی او خود در این‌باره می‌گوید: «... فقط به این مربوط می‌شود که آدم‌ها چه چیزی را وحشتناک و چه چیزی را غیروحشتناک بدانند». «برتون به روایت برتون» در ۳۱۸ صفحه با قیمت ۷۲۰۰ تومان از سوی نشر چشمه به چاپ رسیده است.	

جشن نامه 	
اسلامی ندوشن؛ گریزان از «ایسم»	
سعید فایقی 	
■ نسلِ اواخر دوران پهلویِ اول و اوایل پهلوی دوم توفیق داشتند که برای ادامه تحصیل به مهد روشنفکران، یعنی اروپا اعزام شوند و به‌لحاظ موقعیت در بطن قرن روشنفکری قرار گیرند. رآورد آن عزیزان در کنار تحصیلات آکادمیک و تخصصی خودشان، به همراه آوردن مکتب‌ها و دیدگاه‌های مختلف به کشور بود که می‌توانست روزن‌های جدیدی را بعد از مشروطیت به‌روی اهالی تمدن و فرهنگ بگشاید. بسیار جالب است که بسیاری از این عزیزان، اشتهارشان به‌غیر از رشته تحصیلی‌شان است. مرحوم مهندس مهدی بازرگان با وجود اینکه استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران بود، اما تالیفات حادقلی دانشگاهی دارد و بیشتر تالیفات‌اش معطوف به نگاه علمی به دین، سیاست و آزادی است. در کتاب «عشق و پرستش» یا استفاده از قوانین ترمودینامیک، متافیزیک را منظر قرار داده‌است. وقتی فهرست ۱۳۰تفهر را نگاه می‌کنی بیشتر سیاست برون می‌تراود و با اینکه اکثرشان دکتر یا مهندس هستند اما از تخصص‌شان کمتر استفاده کرده‌اند به هرصورت تا دلت بخواهد آن نسل موردنظر، معطوف به ایسم‌ها هستند و شهره به یک مکتب و مبلغ، یک راه و روش. البته موقعیت‌شان، جایگاه اجتماعی‌شان، شرایط تاریخی‌شان هم ایجاب می‌کند که به این سمت و سو بروند. قرن قرن روشنفکران است و زمان، زمان بلوغ مکتب فکری و حکومت‌ها هرکدام بر گرفته از یک دیدگاه فلسفی نازیسم، فاشیسم، امپریالیسم، کمونیسم... و هر کدام پایگاهی دارند و هر کدام جبهه‌ای گشوده و فوج‌فوج جماعت‌ها شکل می‌گیرند و در یکی از این جبهه‌ها ورود پیدا می‌کنند. در میان این بزرگان هستند عزیزانی اندک و انگشت‌شمار که دیدگاه‌شان فراتر از موقعیت و جایگاه مذکور است. یعنی انسان نمی‌تواند آنها را در زمره یکی از جبهه‌های ذکر شده قرار دهد. عمق و ارتفاع حدود نیم‌قرن تلاش استاد برای روشنگری و آگاهی در تالیفات‌شان هویداست، به‌ویژه دفاع او از ارزش‌ها به‌خصوص ارزش‌های فرهنگی که در بحبوحه نسل‌های شاهنشاهی نوشتند؛ «هن به داروش و کوروش نمی‌نازم ولی به زیان فارسی و فرهنگ ایران نمی‌نازم» دفاع از ارزش‌ها در عصری که استبداد به‌شدت ادبیات نپهیلیستی را روح می‌داد و ادبیات سیاه یعنی ادبیات جنسی و جنایی در دستور کار بود، در زمانی که آشفتگی، بی‌حوصلگی، پوچی، ترس، صنعت‌زدگی در ادبیات رایج پیدا می‌کرد و ایمان‌زدایی از ادبیات جایگزین شک و تردید در ادبیات، تبلیغ ادبیات حکومتی بود و تخصص‌زدگی و به قولی از «سر تا پا غربی‌شویم» پایه و اساس قرار گرفته بود، پرداختن به هویت و اخلاق میثات از سنتن و هویت مقاومت، در برابر ادبیات حکومتی امری بود که دکتر اسلامی ندوشن با اینکه از تحصیلات آکادمیک حقوق بین‌المللی برخوردار هستند، از طریق خلق آثار در حوزه تاریخ و ادب، داده‌های مخاطب را به سوی تعالی رهنمون شدند و با سفرنامه‌ها ما را به اعماق طلاهداران اندای رهایی بشر سوق دادند. ترجمه‌های او از بولتر، ایروینگ استون، توماس مان، لانگ فلو و شکسپیر، گوشون درجه‌ای بود که بیابگر حقیقت و واقعیت عالم بود. داستان‌هایشان تداوم زندگی انسان را نوید داد. راه نوینی را در ادبیات و نقد ادبی به روی ما گشود. تالیف‌اش در زمینه جامعه و فرهنگ ما را بر هویت ایرانی‌مان استوار کرد. «پران و تنهایی‌اش» را به رخ کشید و با فردوسی «نامهای نامور» به عالم عرضه شد و خوش نوشتن، سروی شد سایه‌انداز بر جان ایران و ایرانی. به زعم این حقیق رشاید اگر ایشان از دفاع از ارزش‌ها را در اروپا انجام می‌دادند مثل ویلیام فاکلنر که به تبعیت از راه و رسم نوشتاری ایرانیان می‌نوشت، حتما جایزه ادبی نوبل را دریافت می‌کرد. ناز کاندیشی استاد سرگونه است، ملاحظه بفرمایید «آفتاب خیره‌کننده سوزانی می‌تاپید، گفنی در هوای سنگین ظهر گاهی گشسته‌ها چون فوجی از اسب‌های نامریی در همهجای گنگ و پابان‌بازید، و چه آنچه را که بر سر این شهر رفته بود، خاموش خاموش حکایت می‌کردند» و اما تخلص اینکه کدام چون «ترجمه اشعار بولتر» را از استاد می‌خوانی یا خود فکر می‌کنی که با یک رمانتیک طرفی، با سفیر سیمرخ، فکر می‌کنی با سه‌روردی و حلاج و پره‌رویی، عارفی درد آشنا و داری عواطف والاّی آسانی و احساس عمیق از دردهای مردم اگر «مگر چشمم سیاه تو بیاموزد کار» را بخوانی با یک نونمار کیست طرفی که مایفست دوازده‌گانه‌ی را ارایه می‌دهد که می‌توان مایفست ضدسر مایه‌داری بر آن نام نهاد. با «پارس خستگاه نخستین امپراتوری جهانی» ناسیونالیستی را مچسم می‌کنی که از:حسابیت فوق‌العاده میهنی برخوردار است. با «صاف» از رازان نفرینش» با یک انسان فوق‌العاده مکتبی همراه می‌شوی. باید گفت که استاد همه اینها هست ولی هیچ‌کدام از اینها نیست. خود نیز در یکی از آثارش می‌نویسد که در هیچ ایسمی متوقف نشده‌است. رقص، ابتدایی‌ترین زبان بشر است و از چندین هزار سال پیش تا امروز ذرای آن قدرت و لطافت کم نشده است. در رقص است آن مباحث بین جسم و روح به کمترین حد خود می‌رسد و وقای کامل بدست می‌آید. می‌دانیم که جنبش در رقص اندیشه و حرکت را یکی به دیگری تبدیل می‌کند اندیشه به حرکت و حرکت به اندیشه. ■ معاون سازمان تربیت‌بندی در دولت اصلاحات	

فلک‌الافلاکی 	
خدا حافظ خرم آباد	
بهمن فروتن 	
■ در زیر چراغ‌های کیم‌پور سبز و سفید و قرمز اتوبوس هر ۱۹ بار یکن خواب بودند. ساعت دو بعد از نیمه شب بود و ما هنوز ۱۰ ساعت دیگر تا تبریز فاصله داشتیم. اگر خرم‌آباد با تبریز از تباط هوایی داشت، یک ساعتی می‌رسیدیم. می‌گویند اگر را کاشتنند سبز نشد، ولی من به این گفته اعتقادی ندارم چون معتقدم اگر‌ها برای کاشتن هستند تا سبز شوند. اصولا پیشرفت‌های اجتماعی یا سبز شدن همین اگر‌ها میسر هستند. هر ۱۹ بار یکن خوابیده بودند با اشکال متفاوت، نشسته، دو صندلیه و کف خواب، باید خیلی در این حرفه بوده باشی تا بدانی آنها چه خواب می‌بینند. خواب‌هایی که با شکل خوابشان هیچ‌گونه تشابهی ندارند و جالب اینجاست که وظیفه و مسوولیت من همیشه به واقعیت رساندن همین رویاها بوده است. در کشورهای متفاوت، رویاهای زیادی را واقعیت داده‌ام. بازیک‌های زیادی را به لیگ‌های بالاتر و تیم‌های ملی‌شان فرستاده‌ام تا آنها را از این شکل خوابیدن‌ها در بیآورم، در حالی که خودم همیشه به همین شکل خوابیده‌ام. دست رئیس‌جمهور درد نکند که پروژه خط راه‌آهن خرم‌آباد- درود، خرم‌آباد- بروجرد- اندیمشک و بزرگراه خرم‌آباد- اراک را افتتاح کرد. اولین قدم در تقلیل محرومیت‌های استانی، ایجاد پل‌های ارتباطی است. دومین قدم ساختن و سومی، هزینه‌نگهداری ساختارهاست. مهم‌ترین قدم در وهله اول برای هر استان محروم، تامین هزینه نگهداری ساختارهای موجود است؛ چند مجموعه و اسنادیوم ورزشی دوست دارید نشان تان دهم که به دلیل نداشتن هزینه نگهداری و مرمت از بین رفته‌اند یا در حال از بین رفتن هستند؛ اسنادیوم‌های گران‌قیمتی که خجالت می‌کنش یا به رختکش نگداری یا زمین‌های چمنی که از بی‌ای شکست شده‌اند، چون پول باقیانی‌اش را هیات یا تربیت‌بندی نداشته است یا کارخانه‌ای که واقعا زیبا و منحصر به فرد است با بیش از ۵۰۰ پرسنل که هفت ماه است حقوق نگرفته‌اند. در مقیاس‌ها فقط یک کمی پول برای راه‌اندازی این کارخانه احتیاج است و یک متقال دیگر برای جلوگیری از خشک‌شدن فضای سبز این مجموعه و از بین‌رفتن یک کمپلکس ورزشی که می‌تواند یکی از مدرن‌ترین آکادمی‌ها را در دل خود جای دهد، با سالن چندمنظوره‌ای که سه چهارم آن ساخته و رها شده است و زمین فوتبالی که خدا پدر مسوولش ارش را بیلرززد که آن را با عرق جبین برای ما سبز و خرم نگه‌اش می‌دارد. استخرهای بسیار خوب، مرا به خرم‌آباد فرستاد. چهارماه سخت را به پشت گرمی همین استخره کار کردم و ۲۵ بار یکن بومی روی با اصول اولیه بازیکنی آشنا کردم. به گفته خودشان و نه به گفته من، پیشرفت بسیار زیادی داشته‌اند. اگر کمی پول و کمی هم حمایت بود، الان با ۹ امتیاز در صدر جدول بودیم، ولی متأسفانه در استان‌های محروم پول برای نگهداری ساختارها نیست و به همین دلیل مجبورم با همه عشق و علاقه‌ام دانیس را ترک کنم. استخره بسیار خوب هم برای همین بود، برای تشکیل یک تیم کاملا بومی، دین محرومیت‌ها و اشاره به آن‌ها برای گوش‌های شنوا و بالاخره انعکاس بر این اشعارها که جوان‌ها از گفت‌وهای به‌رآیند، بدوستان به امید واقعی‌شدن خواب‌هایتان؛ خداحافظ خرم‌آباد.	

پرش از اخبار 	
نگاه معاصر با چهار کتاب می‌آید	
■ شرق: نشر نگاه در اولین مرحله از چاپ سری کتاب‌های «شعر نگاه معاصر» چهار مجموعه شعر را در ردیف چاپ قرار داد. مجموعه رضا حیرانی با عنوان «چندرضایی»، مجموعه شهین خسروانی‌زاد با عنوان «هم‌سیرن بیرون غار»، مجموعه شعر سپیده جدیری با عنوان «به آغوش دراز نی» و مجموعه شعر فریاد شیری با عنوان «و تن فروشی نیست» تا ۲۰ رز دیگر منتشر می‌شود. همچنین این نشر در بخش دوم فعالیت خود مجموعه‌های شعری از علی اسدلالایی با عنوان «چشم به راه ابریشم»، مریم مهرآذر با عنوان «قدسیه در مطبخ»، اسماعیل یوردشاهیان با عنوان «یاسمن در باد»، علی کاکوند با عنوان «سرخ‌خاله» و فرزادآبادی با عنوان «خیابان ایرانی» را برای انتشار پذیرفته که این مجموعه‌ها برای دریافت مجوز روانه ارشاد شده‌اند.	
امیر کوستوریتسا، رییس داوران جشنواره مراکش شد	
■ خبر آنلاین: امیر کوستوریتسا ریاست هیات داوران یازدهمین دوره جشنواره فیلم مراکش را به عهده خواهد داشت. فیلمساز صرب با پذیرش ریاست دآوری جشنواره مراکش با جای پای سینماگرانی چون رومن پولانسکی، میلووش فورمن، پری لویسنس و جان ماکویچ می‌گذارد. کوستوریتسا تا ۲۰۰۴ در جشنواره مراکش مورد تقدیر قرار گرفت. او در این دوره جشنواره یک کلاس پیشرفته هم برگزار می‌کند. سیگوری وپور بازیگر آمریکایی، ریاست هیات داوران بخش مسابقه فیلم کوتاه سینه‌کوار را به عهده دارد که در آن فیلم‌های مراکشی رقابت می‌کنند.	

کافه نظر 	
تکلیف موسیقی را چه کسی روشن خواهد کرد	
یودا سوری:در همین هفته اخیر داریوش پیرنیاکان، که ستون «زخمه» را هر یکشنبه برای روزنامه «شرق» می‌نویسد، یادداشتی درباره «موسیقی، آواز و بانوان» نوشته و در آن آورده بود که «اوایل بعد از انقلاب در ارتباط با پخش شدن و نشدن موسیقی از رادیو، همچنین موضوع پخش صدای زن با شادروان دکتر مهدی برکشلی، موسیقیدان ارجمند گفت‌وگویی انجام گرفته بود، او در این گفت‌وگو به نکته‌ای بسیار باریک اشاره کرده و یادآور شده بود: «در حال حاضر رادیوی ترانزیستوری در دور افتاده‌ترین نقاط کشور وجود دارد، شما اگر پخش نکنید از بیرون مرزها پخش خواهند کرد و لایه‌ای آن مقاصد سیاسی و فرهنگی خود را نیز دنبال خواهند کرد.» همچنین در پایان یادداشت خود پرسیده بود «با ترانه‌ها و لایه‌ای‌های بچگانه را هم که از هزاران سال پیش باز با صدای بانوان بوده، باید با صدای مردان ضبط و پخش کنیم؟ اگر ما در اختیار جامعه خود نگذاریم، دیگران خواهند گذاشت و لیکن چگونه و چسان؟» به هر رو بنابر پارای ملاحظات، این یادداشت خواندنی منتشر نشد و باز هم برای ما، این سوال را به وجود آورد که واقعا تکلیف جامعه ما با موسیقی چیست؟ موسیقی حرام است یا حلال؟ خوب است یا بد! البته این تمام داستان نبود؛ در هفته گذشته محمدحسین منیر، دبیر مدرسه اسلامی هنر قم با بیان اینکه «نظر همه فقها این نیست که همه ابزار آلات موسیقی حرام است» وعده داد که «در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ برای اولین بار درس خارج فقه موسیقی در مدرسه اسلامی هنر قم برگزار می‌شود.» این خبر جنجالی در حالی از سوی یک منبع دینی اظهار شد که سوالات بالا کماکان خودنمایی می‌کنند. سه‌شنبه این هفته هم ججت‌الاسلام سیدعباس سیدحسینی که مدرس «خارج فقه موسیقی» است در گفت‌وگویی دیگر اظهار داشت: «در حوزه موسیقی، مردم حق دارند مرز بین غنا و غیرغنا را بدانند. در این حوزه، قول‌های متفاوتی وجود دارد که ما سعی می‌کنیم با پژوهش بر آنها به نتایج واضح و شفاف‌ی دست پیدا کنیم.» او گفت: «ما کار را به دو بخش تقسیم کرده‌ایم؛ نخست پخش موسیقی آوازی و هر آنچه از حنجره ساطع می‌شود و دوم سازها و آلات موسیقی. در حال حاضر روی بخش اول، کار می‌کنیم اما در بخش دوم، هر‌گاه احساس کنیم که نیاز به اطلاعات تخصصی در حوزه موسیقی‌سازی داریم، از کارشناس موسیقی یاری خواهیم گرفت.» آنچه در پس تمام این گفته‌ها می‌توان دوباره به آن اشاره کرد، آن است که از پس این همه سال ن‌نتنها ما به‌عنوان یک رسانه هنگام درج مطالبی درباره زوایای از موسیقی دست و دل‌مان می‌لرزد، بلکه گروهی از مردم، صاوسیما و حتی خود موسیقیدانان هم درباره باید و نبایدها و شایدها و نشایدهای این حوزه به نوعی در مانده‌اند. علی‌ایحال نظر شما درباره تدریس خارج فقه موسیقی در مدارس دینی چیست و فکر می‌کنید این مدارس، تخصص و توان علمی کافی و همین‌طور، قدرت پاسخگویی به تمام پاید‌ها و نبایدها و رفع موانع فکری و اجرایی این رسته هنری را دارند؟	
داریوش پیرنیاکان ◀ موسیقیدان و عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران	
این اقدام چندان کمکی به موسیقی ما نخواهد کرد، چراکه اگر بحث بر پژوهش و تدریس باشد باید حتما توسط موسیقیدانان برجسته و صاحب‌نظر ما صورت گیرد، کسانی که فعلا در این امر شرکت دارند، متأسفانه دارای چنین شرایطی نیستند. اگر در میان این افراد کسی مانند «عبدالقادر مراغه‌ای» که خود دانشمند، فقیه و موسیقیدان است، حضور داشت حرفی که زده می‌شد برای ما هم سند بود اما الان این گونه نیست. باید توجه داشت که «ساز» یک ابزار است، مانند «تلویزیون» و یک ابزار نمی‌تواند گناهکار باشد. بستگی درد که ما چه استفاده‌ای از آن بکنیم. اگر در تلویزیون یک موضوع زشت را نشان بدهیم، تلویزیون هم بد می‌شود و اگر برنامه‌ای درخور و موجه پخش کنیم، کار کرد خوبی دارد. ساز هم همین‌طور است، نمی‌توان گفت مثلا صدای تار یا نی حلال است و صدای سنتور حرام. مهم استفاده‌ای است که از این سازها می‌شود. وقتی ما نمی‌گذاریم چیزی آزادانه و طبیعی به رشد خود ادامه بدهد، مسلمانا انحراف به وجود خواهد آمد. گروهی آمدند و جلو موسیقی پاپ و رپ را گرفتند و این موسیقی‌ها از نظر خارج شدند و به زیرزمین‌ها خزیدند، باور کنید اگر آزادانه در فضای موسیقی کشور حضور داشتند ۱۰ درصد گسترده‌گی و تاثیر حال حاضر را هم پیدا نمی‌کردند، چراکه هر امری وقتی از دبدرس جامعه دور شده و دور نگه داشته شده خوانواده جنبه سیاسی، اجتماعی و اعتراضی پیدا می‌کند. آقایان باور کنند ما موسیقیدانان خیلی بیشتر از آنها دلمان برای موسیقی می‌تپد و علاقه داریم موسیقی بد، ناهنجار و سیخف را مهار کنیم، اما این کار هم راه دارد و با دقتن کردن، هیچ چیز رو به جلویی برداشته نمی‌شود و اگر می‌خواهیم مساله موسیقی حل شود باید ایمان داشته باشیم که این‌انما تنها توسط خود موسیقیدانان قابل اجرایی شدن است.	
حسام‌الدین سراج ▶ استاد آواز	
اگر موسیقی را شاخه‌ای از حکمت بدانیم، اتفاقا می‌تواند برای مسایل اجتماعی مفید هم باشد. البته علمای فقه هنوز به اجماعی در مورد موسیقی نرسیده‌اند و قاعدتا نمی‌توان حکم به تحریم به‌صورت اتلافی صادر کرد. اما این اتفاق در حوزه از این جهت که عزیزان جوزوی هم با موضوعات موسیقی آشنا شوند خیلی هم خوب است، چون به‌رحال در این روند لازم است با آن بخش از موسیقی که جنبه متعالی و حکیمانه دارد و رشد دهنده است، انس پیدا کنند و سپس قضاوت کنند. اگر این بحث فقهی به سرانجام مشخصی برسد و البته هر جامعه هم اجرا شود، خیلی هم خوب است.البته کسانی که قصد تحقیق در این زمینه را دارند، باید با یک موسیقیدان هم مشورت کنند و حتما با یکی از فنون موسیقی (ساز، آواز یا آهنگسازی) آشنا شوند.	

رحمت‌الله بیگدلی 	
فقه عبارت است از برداشت عالمان اسلامی از متون اصلی اسلام که با مراجعه به آن متون اصلی به استنباط احکام می‌پردازند. باتوجه به تحولاتی که در سالیان و دهه‌های اخیر در زندگی بشر رخ داده و زندگی ما زمین تا آسمان با شیوه زندگی قرون قبل متفاوت شده است، فقه هم که در هر عصری کوشیده بهترین و آخرین برنامه‌های زندگی مسلمانان را استخراج کند در این میان چارهای ندارد که در کنار مباحث فقه سنتی به پدیده‌های نوظهور در عصر جدید هم بپردازد و درباره آنها بحث کند که یکی از این پدیده‌ها، موسیقی است. البته در زمان ائمه معصومین و پیامبر (ص)، موسیقی به عنوان هنر مطرح نبود و خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس و سلاطین سنی به عنوان ابزار ی فسادانگیز از آن در مجالس و عیاشی‌های خود استفاده می‌کردند (البته نه اینکه در حال حاضر این‌گونه موسیقی وجود ندارد) اما بحث ما در حال حاضر به موسیقی به‌عنوان یک هنر و علم معطوف است که یکی از ضروریات زندگی بشر محسوب می‌شود و از در و دیوار به اشکال گوناگون در زندگی ما حضور دارد. باتوجه به این مسایل فقه ما باید در این زمینه بحث کند و حکم انواع و اقسام موسیقی را با اجتهادی دقیق از منابع فقه استخراج کند و در اختیار مردم قرار دهد. حوزه‌های علمیه باید علاوه بر مباحثی که الان در فقه سنتی داریم، عنوانی را به عنوان آموختن درس خارج فقه قرار دهند و امروز اقتضا می‌کند که ما در کنار کتابت‌هایی چون کتاب سلاه، کتاب طهارت، کتاب خمس و... که عناوین مباحث فقه سنتی ما هستند از پدیده‌های نوظهور که در زندگی بشر امروز موثر است، عناوینی چون کتاب معیشت، کتاب فرهنگ، کتاب صنعت و جهانگردی، کتاب هنر، کتاب موسیقی و... را داشته باشیم که این مساله موجب خواهد شد هم به غنای فقه ما افزوده شود و هم موجب می‌شود که به مدرس‌رگمی در میان اصحاب هنر، فرهنگ و موسیقی پایان داده شود البته فقها در تبیین این مباحث نیازمند استفاده از نظر کارشناسان هنری اعم از موسیقیدان‌ها و... هستند زیرا شأن فقیه تشخیص موضوع نیست و شأن فقیه استخراج حکم و بیان آن است. در نتیجه برای تشخیص موضوعات در هر زمینه‌ای باید به کارشناسان آن فن مراجعه کنیم. مثلا در زمینه اقتصاد به اقتصاددانان و در زمینه هنر به هنرمندان ازجمله در زمینه موسیقی برای فهم دقیق انواع موسیقی و تاثیر آن بر روح و روان مردم نه تنها به موسیقیدانان بلکه باید به روان‌شناسان هم مراجعه کنند و پس از آن به استخراج حکم و بیان آن مبادرت ورزند.	
هوشنگ جاوید ▶ پژوهشگر موسیقی آیینی	
من از خیلی سال پیش در جریان این قضیه بود‌ام و امروز خیلی خوشحالم که تدریس خارج فقه موسیقی در حال اجرایی شدن است، مطمئنا با جلوتر رفتن این روند، تکلیف هنر موسیقی ایرانی مشخص خواهد شد، چراکه وقتی هنری از لحاظ فقهی مشکل پیدا می‌کند باید در همان پایگاه مورد بررسی قرار بگیرد و با نگاه باز و شناخت کامل به آن پرداخته شود تا آنجایی که من در جریان هستم، دست‌اندرکاران این جریان شناخت و آگاهی کاملی هم نسبت به موسیقی دارند، فقط می‌ماند نحوه اجرایی شدن دستاوردهای آنها که آن را ما نمی‌توانیم برایشان تبیین کنیم باید خودشان به نتیجه برسند و اعلام کنند و تا آن زمان ما باید صبر کنیم و دیکته‌ای که نوشته می‌شود را غلط‌گیری کنیم، فعلا که دیکته‌ای نوشته نشده و دیکته نوشته هم غلط ندارد.	

مرگ موف 	
دواع بانجابت	
بین یکی دو نسل از سینماگران کرده، کمتر از دیگر افراد موثر در سینما نبوده‌است، ولی مورد ستایش قرار نگرفته‌است. البته، در حالا تا چند وقت دیگر همه جا از خدمات او سخن‌ها خواهد رفت. مثل همین یادداشتی که بنده دارم می‌نویسم. ولی طی نزدیک به ۳۰ سالی که او در عرصه ادبیات سینمایی، عکاسی و فیلمبرداری حضور داشت، من ندیدم که حتی مطبوعات تخصصی سینما با او حرف بزنند یا درباره کارهایش بنویسند. در حالی که تاکنون چند کتاب مهم آموزشی و تخصصی سینمایی به ترجمه او منتشر شده کار فیلمبردار سینما، تکنیک‌های نورپردازی در تلویزیون و سینما، راهنمای نقدی و نظریه فیلم و آخرین کار منتشرشده‌اش «فیلمسازی اصول و شیوه‌های عملی» که یک سال پیش مراسم رونمایی‌اش در خانه سینما برگزار شد؛ همان جایی که روز یکشنبه هفدهم آبان پیکر او بر دوش دهم‌ا نفر از دانشجویان و دوستانش به سوی بهشت زهرا(س) تشییع شد و ما ناباورانه او را به دست خاطرات سپردیم و به خانه‌هایمان برگشتیم تا کی نوبت خودمان برسد. او: از اینکه به اندازه زحمت‌هایش قدر ندید، هرگز گله‌مند نبود، اما ما از این باب که در حشش کوتاهی کردیم، بسیار غمگین و دلکشته‌ایم.	

دیده‌بان 	
انسان زاده شدن تجسد وظیفه بود	
کتاب خا‌ئه من در انتهای جهان است (ناشر: نشر مینا، به کوشش سیلوش شاملو، گردآوری: تصحیح و ویرایش: بهروز صاحب‌اختیاری، چاپ اول تابستان ۱۳۹۰) که با چنین جنبش و گزینش بی‌مسما و فاقد استعاج و ساختار، هیچ ارتباطی به میراث گرافتقر احمد شاملو ندارد، به دلایل زیر مورد تأیید موسسه الف، بامداد نیست و نمی‌تواند در شمار آثار ارزشمند «بامداد» قرار گیرد. ۱. عنوان «منتشر نشده‌ایی از احمدشاملو» در خصوص این کتاب صحت ندارد و نه با هدف خدمت به خوانندگان او. تاریخ نوشته‌ها در پانویس‌ها برمی‌آید این آثار سال‌ها پیش در هفتنامه بامداد، اطلاعات هفتگی و... چاپ و منتشر شده‌است. ۲. از آنجا که محتویات کتاب خارج از ضوابط نظارتی سربروستی آثار و موسسه تنظیم و گردآوری شده است، صحت و اصالت رسما از سوی احمد شاملو به‌عنوان سرپرست‌شان مدام‌المعر نظارت بر چاپ و نشر آثار او تعیین شده‌اند) به یاری دوستان حقوقان، ناشران محترم انتشارات نگاه و نشر چشمه و نیز همراهی دوستانی که مورد تأیید شاعر بوده‌اند طی تشریفات قانونی در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۸۹ به ثبت رسیده است و مسوولیت تنظیم قرار داده‌ها و نظارت بر چگونگی چاپ و نشر آثار او را بر عهده دارد. از مباحث و دست‌اندرکاران نشر مینا درخواست می‌شود جهت تعیین تکلیف مجموعه مزبور به موسسه الف، بامداد مراجعه کنند. در غیر این صورت ایشان مسوول پیامدهای قانونی خواهند بود. ■ موسسه الف، بامداد	

روزنامه شرج 	
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران	
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان	
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف	
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ ۸۸۸۸۰۷۱۹ ۸۸۶۵۸۵۷۵ ۸۸۶۵۸۵۷۵	
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۵ ۶۶۱۸۱۲۱۰	
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز	
چاپ: نشر روزتاب	
تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶	
www.sharhnewspaper.ir	
تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۱ اذان مغرب ۱۷:۵۰ اذان صبح ۴:۴۶ طلوع آفتاب ۶:۰۹	

روزنامه شرج 	
پنشنه ۲۱ مهر ۱۳۹۰ ۱۵ ذی‌القعدة ۱۴۳۲ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱ ۳۰ سال نهم ۳ شماره پیاپی ۱۳۶۷ شماره ۴۴۲ دوره جدید ۱۲ صفحه۲۲ صفحه شمیسه	

برتون به روایت برتون برتون به روایت برتون	
ایسنا: کتاب «برتون به روایت برتون» نوشته مارک سالیزبوری با مقدمه‌ای از جانی دپ و با ترجمه ابراهیم عامل‌محرابی منتشر شد. «دوارد دست‌قچی»، «عروس مرده» یا «سلیبی هالو» و... از جمله آثار سینمایی برتون است. دیدگاهی که بسیاری آن را تارکیر می‌دانند؛ ولی او خود در این‌باره می‌گوید: «... فقط به این مربوط می‌شود که آدم‌ها چه چیزی را وحشتناک و چه چیزی را غیروحشتناک بدانند». «برتون به روایت برتون» در ۳۱۸ صفحه با قیمت ۷۲۰۰ تومان از سوی نشر چشمه به چاپ رسیده است.	